



بهار نماد معاد است/ در فصل گل چهره‌های زرد شده را دریابیم

استاد فلسفه و مفسر قرآن ضمن اشاره به جنبه‌های مثبت بهار و نوروز گفت: بهار برای پیروان قرآن که به معاد می‌اندیشند نمادی از بهار است.

استاد فلسفه و مفسر قرآن ضمن اشاره به جنبه‌های مثبت بهار و نوروز گفت: بهار برای پیروان قرآن که به معاد می‌اندیشند نمادی از بهار است. بهار انسان هم در روز حشرونشر است که خداوند پس از مرگ، او را دوباره زنده می‌کند و به زندگی بازمی‌گرداند.

بهار از یک سو موسم دوباره جان گرفتن زمین و زمان است و از سوی دیگر اشاره‌ای به زنده شدن جان‌ها پس از مرگ.

سیدیحیی یثربی، استاد فلسفه و مفسر قرآن کریم به مناسبت سال نو در گفت‌وگو با خبرنگار ایکننا درباره بهار و نوروز به نکاتی خواندنی اشاره کرد و گفت: یک نکته مهم درباره بهار هست و آن اینکه بهار در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است با این بیان که زمین می‌میرد، گیاهان خشک می‌شوند، اما دوباره خداوند باران می‌فرستد و زمین دوباره رویش گیاهانش را آغاز می‌کند و دوباره سرسبز می‌شود. بعد می‌فرماید آیا خدایی که زمین مرده را زنده می‌کند نمی‌تواند انسان را پس از مرگ زنده کند؟ بهار برای پیروان قرآن که به معاد می‌اندیشند نمادی از بهار است. بهار انسان هم در روز حشرونشر است که خداوند پس از مرگ، او را دوباره زنده می‌کند و به زندگی بازمی‌گرداند. پس بهار یکی از نمادهای امکان معاد است. مولوی می‌گوید: کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست/ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد. نوروز با دیگر آیین‌ها تفاوت دارد

این استاد فلسفه در ادامه با اشاره به اینکه جشن نوروز از یادگارهای تاریخ باستان ایران است، گفت: نوروز یک جشن طبیعی است، یعنی جشنی است که با توجه به تغییر طبیعت برگزار می‌شود. نوروز جشن رفتن سرما و آمدن گرما، رفتن ابر و آمدن خورشید است. این فصل برای همه موجودات نشاط‌انگیز است و رویش گیاهان فضا را زیبا می‌کند اما نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است: گاهی ما در اجرای این آیین‌ها دچار مشکل می‌شویم. بعضی‌ها می‌گویند اینگونه مراسم خرافات است، بعضی‌ها هم می‌گویند اشکال ندارد ولی به نظر من اکثر آیین‌ها جنبه خرافاتی دارند و اساس عقلی ندارند اما در تمام جوامع بشری از این آیین‌ها داریم. نوروز با دیگر آیین‌ها یک تفاوت دارد و آن اینکه یک جنبه طبیعی هم دارد و طبیعت تغییر پیدا می‌کند و شرایط روزگار عوض می‌شود و فصل طرب‌انگیزی شروع می‌شود. به قول حافظ؛ آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود/ عاقبت در قدم باد بهار آخر شد.

یثربی در ادامه سخنانش افزود: ما نباید نوروز را به عنوان یک مراسم دینی در نظر بگیریم. نوروز یک آیین است و چنانکه عرض کردم اکثر آیین‌ها ریشه در خرافات دارند ولی آیین خرافاتی وقتی مضر است که در نظام فکری و دینی انسان دخالت داشته باشد مثلاً باعث تبعیض شود اما در نوروز هیچ نمودی از این مسئله نیست که زمینه ستم و ظلم و تبعیض را فراهم کند حتی اگر خرافه باشد یک خرافه بی‌ضرر است و اتفاقاً سودمند است. چهره‌های زردشده را دریابیم

این استاد فلسفه در ادامه تأکید کرد: یکی از سودهای این مراسم این است که بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن/ به شادی رخ گل بیخ غم ز دل برکن. شاعر می‌گوید بهار شادی آور است، تو هم ناراحتی‌ها را کنار بگذار، لبخند بزن و شاد باش اما در حاشیه این درخواست و رهنمود حافظ، این را هم عرض می‌کنم؛ به فکر کسانی باشیم که نمی‌توانند شادی کنند. با جیب‌های خالی چگونه شادی کنند؟ پدری که نمی‌تواند به فرزندانش عیدی بدهد چگونه شاد باشد؟ باید به فکر اینها هم باشیم. زیبایی هر آیین در آن است که بر انسانیت ما اثر مثبت بگذارد، نه اثر منفی.

وی ادامه داد: از نکاتی که در بهار باید یاد بگیریم این است؛ همت کنیم و در ایام عید نوروز، اگر در میان فامیل و دوستان نزدیک خودمان کسانی داریم که وضعشان با مشکل روبرو است مخصوصاً به خاطر شرایط تحریم و بی‌کاری، به سراغشان برویم. لبخند بچه‌های آنها آن لبخندی است که شایسته قرآنی بودن نوروز است، شایسته انسانی بودن نوروز است. خنده خودمان طبیعی است اما مهم این است آنکه نمی‌تواند بخندد را به خنده بیاوریم که اگر این کار را بکنیم خدا را شاد کرده ایم، پیامبر را شاد کرده ایم. اگر هزینه تحصیل دو کودک زباله‌گرد را تأمین کنیم آبروی کشور را خریده ایم و حضرت فاطمه(س) را شاد کرده ایم. آن دختری که سر چهارراه گل فروشی می‌کند نزد حضرت فاطمه(س) عزیز است. اینها رقیه‌های بیخ گوش ما هستند و نباید آنها را فراموش کنیم. حضرت رقیه(س) آن مصیبت‌ها را کشید که اینها مصیبت نکشند.

مترجم و مفسر قرآن در پایان تصریح کرد: کسانی که فکر می کنید حالتان نیکو است آرزو کنید حال دختران و پسران مردم خوب باشد. در فصل گل چهره های زردشده را دریابید، گرفتاران را دریابید.

امروز روز شادی و امسال سال گل
نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل